

واکاوی هویت نوجوانان در رمان فاتن بر اساس نظریه اریک اریکسون

الهام خادمی¹، مرضیه آباد²، محمدجواد مهدوی³، مهدی کرمانی⁴

1. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی - دانشگاه فردوسی مشهد
2. دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی - دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)¹
3. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی - دانشگاه فردوسی مشهد
4. استادیار گروه علوم اجتماعی - دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده

هرچه دستیابی به هویتی موفق و بالنده زودتر شکل گیرد رشد شخصیتی و اجتماعی فرد نیز با شتاب بیشتری تکامل می‌یابد. از جمله نظریه‌پردازان این حوزه، اریک اچ اریکسون روان‌شناس اجتماعی آلمانی است که در نظریه‌ی رشد روانی-اجتماعی خویش، هشت مرحله را برای رشد فرد در نظر می‌گیرد و بر این عقیده است که انسان در هر مرحله از زندگی خویش با بحرانی روبرو می‌شود و راه حل آن کسب آگاهی است. جستار پیش‌رو با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی، رمان فاتن از نویسنده لبنانی خانم فاطمه شرف‌الدین را بررسی کرده و به این دو سوال ذیل پاسخ می‌دهد: 1- میزان اهمیت هویت در رمان فاتن تا چه اندازه‌ای است؟ 2- چالش‌های هویتی نوجوانان در رمان مذکور بر اساس نظریه اریکسون چیست؟ یافته‌های این جستار بیانگر ترغیب بسیار و مصرانه نوجوان توسط شرف‌الدین به داشتن هویتی رشدیافته و موفق بدون در نظر گرفتن موقعیت اجتماعی است و فقر و ثروت را عاملی برای عدم تکامل و یا تکامل هویت نمی‌داند. ویژگی‌های هویتی نوجوانان در رمان فاتن با مؤلفه‌های تعیین شده برای نوجوان از سوی اریکسون مانند هویت طلبی، همانندسازی و بحران هویت، قابل انطباق است.

واژگان کلیدی: هویت، رمان نوجوان، اریک اریکسون، فاتن، فاطمه شرف‌الدین

1. مقدمه

1.1. تبیین مسئله

ادبیات، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی ریشه‌های درهم تنیده و کهنی دارند که هر یک باعث غنای دیگری شده است. از جمله‌ی این ریشه‌های قدرتمند مسئله‌ی هویت است. "ریشه کلمه هویت در زبان لاتین *idem* است که از آن واژه همانند گرفته شده است از این روی نشان می‌دهد که فرد از تولد تا مرگ، هم همانند خودش است و هم شبیه

دیگران. بدین معنی که ما نشانه‌های هویتی مشترکی داریم همچون زن، مرد، سیاه، سفید، آسیایی و غیره و نیز جنبه‌هایی که منحصر به خودمان است. " (لالر، 1394: 12) " هویت پاسخی است به سوالات اساسی و مهم مانند من که هستم؟ به کجا می‌روم؟" (شاملو، 1372: 67) و در مقایسه با دیگری معنا پیدا می‌کند. یعنی آن چیزی که مرا از دیگری متمایز می‌سازد. " (قنبری، 1393: 11) " در دنیای مدرن با شکل گرفتن هویت‌های جدید و در معرض خطر قرار گرفتن هویت‌های گذشته، مسئله‌ی هویت مورد توجه پژوهشگران حوزه‌های مختلف قرار گرفت. " (علیخانی، 1386: 21) " اهمیت هویت آنگاه عیان می‌شود که با فشار، بی‌ثباتی و تغییر مواجه می‌شویم. هویت نقطه عزیمت و عامل انسجام اجتماعی و حفظ نظم در سطح کلان است و در صورت کم رنگ شدن آن با تضعیف همبستگی و انسجام اجتماعی روبرو می‌شویم. از این روی مسئله‌ی هویت همیشه مورد توجه دانشمندان، پژوهشگران و نظریه پردازان بوده است. " (حاجبانی، 1388: 35) هویت در علوم مختلفی همچون علوم اجتماعی، روان‌شناسی، سیاسی، فلسفه، عرفان، اقتصاد و... از اهمیت و جایگاهی ویژه برخوردار است از این روی واقعیتی چند بعدی است. در واقع " هویت رابطه‌ی میان شخصیت فرد و ساختار اجتماعی است. " (علیخانی، 1386: 4) در علم روانشناسی در ذیل روان‌شناسی رشد، هویت از جنبه‌های مختلف مورد ارزیابی قرار گرفته است. " این علم قدمتی به درازای زندگی بشر دارد. رشد تغییراتی است که در طول مسیر رخ می‌دهد و حاصل یادگیری و فرایندهای زیستی، شناختی و اجتماعی است. " (شعاری نژاد، 1373: 62) " روان‌شناسی رشد از یک سو، چگونگی و علت رفتار افراد در سنین مختلف را از زوایای متعدد مورد بررسی قرار می‌دهد و از سوی دیگر، در برابر مخاطب خویش چشم اندازهایی را در چگونگی نحوه‌ی برخورد با افراد مختلف و درک رفتار آنان، ترسیم می‌نماید. نظریه‌های متعددی در این حوزه ارائه شده است که تمام آن‌ها روش نگاه ما به جهان را تغییر می‌دهند و درکی از علت رفتار اشخاص به ما می‌دهند. " (اچ.میلر، 1388: 1) این جستار این جستار با روش توصیفی - تحلیلی و بر اساس چهارچوب نظریه اریک اریکسون تدوین شده است که در بخش نظریه، به صورت مبسوط شرح داده می‌شود.

2.1. پیشینه پژوهش

در منابع فارسی و عربی بررسی شده، مقاله و یا کتابی در خصوص فاطمه شرف‌الدین و یا آثارش منتشر نشده است و فقط در چند سایت عربی به آثار، جوایز، حضور وی در نمایشگاه‌ها و زندگی ایشان پرداخته شده است.

پژوهش‌های میان رشته‌ای در پرتو زبان عربی و جریان‌های ادبی (ISC) / 413

نظریه‌ی روانی- اجتماعی اریکسون در کتاب کودک و جامعه وی مطرح شده است. این کتاب نخستین بار در سال 1951 با عنوان *Childhood and Society* توسط انتشارات *Imago Publishing Company* عرضه شد. اریکسون در یازده فصل خود، هویت، کودکی و نظریه‌ی هشت مرحله‌اش را مورد بررسی قرار می‌دهد.

کتاب *نظریه‌های روانشناسی رشد از کودکی تا بزرگسالی* تالیف پاتریشیا اچ. میلر ترجمه‌ی پرویز شریفی درآمده و محمدرضا شاهی ده فصل دارد و نظریه‌های رشد از حیث شناختی، روان تحلیل‌گری، اجتماعی- فرهنگی، یادگیری اجتماعی، پردازش اطلاعات، رفتارشناسی و زیست بوم شناختی را مورد بررسی قرار داده است.

مقاله‌ی *واکاوی انواع هویت در داستان‌های نوجوان بر اساس نظریه‌ی روانی- اجتماعی اریکسون* نوشته‌ی وجیهه حسینی و دیگران، 180 عنوان داستان گروه سنی "د" و "ه" را که توسط انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در سال‌های 94-1390 منتشر شده است را مورد بررسی و تحلیل آماری براساس نظریه اریکسون، قرار داده است.

3.1. پرسشهای پژوهش

این جستار با روش توصیفی- تحلیلی می‌خواهد با هدف پاسخ به این دو پرسش نگاشته شده است: 1- میزان اهمیت هویت در رمان فاتن تا چه اندازه ای است؟
2- چالش‌های هویتی نوجوانان در رمان مذکور بر اساس نظریه اریکسون چیست؟

4.1. فرضیه‌های پژوهش

با توجه به اینکه نویسندگان حوزه‌ی ادبیات کودک و نوجوان معمولاً با شوق و هدف ارائه تجربیات و آگاهی به مخاطب دست به نگارش آثار می‌زنند حدس بر این است که شرف‌الدین که سابقه طولانی در نویسندگی در این حوزه دارد و فردی دغدغه‌مند برای رشد و پرورش نسلی موفق است به مسئله هویت از نگاهی ویژه پرداخته باشد. در پاسخ به سوال دوم باید گفت که معمولاً نویسندگان نظریات را مطالعه نمی‌کنند که بر اساس آن‌ها دست به نگارش زنند ولی آنچه مبرهن است، این است که نظریات از درون جامعه‌ی هدف با آزمون و قوانین محکم استخراج می‌شوند و نقاط اشتراک بسیاری با افراد و گروه‌های مختلف دارند.

2. نظریه‌ی اریک اریکسون

"از جمله نظریه‌های مهم در حوزه‌ی رشد، نظریه‌ی فروید است. وی مراحل روانی- جسمی متعددی را برمی‌شمارد و مرکز آنها را مناطقی از بدن میدانند. اریکسون (1902-)

(1994) پس از بررسی‌های متعدد به این نتیجه رسید که نظریه‌ی فروید احتیاج به تکامل دارد. او به مراحل فرویدی، سه مرحله را به دوره‌ی بزرگسالی اضافه کرد تا تمامی چرخه‌ی زندگی بشر را دربرگیرد و مفاهیمی را افزود که به مرور زمان به درک دقیق‌تر رفتارهای کودک و دنیای اجتماعی او انجامید. (خوی نژاد، 1384: 357) "در کتاب کودکی و جامعه این نظریه‌ی هشت مرحله‌ای شرح داده شده است. " (Erikson, 1951: 222-243) که عبارت است از: "1- طفولیت: اعتماد اساسی در مقابل عدم اعتماد؛ از بدو تولد تا یک سالگی. اریکسون پیدایش شخصیت سالم را در گرو افزایش میزان احساس اعتماد نوزاد به اطرافیان، نسبت به عدم اعتماد می‌داند. 2- اوان کودکی: خودکفائی در مقابل شرم و تردید؛ از دو تا سه سالگی. در این مرحله وجود آزادی نسبی و عدم آزادی از سمت والدین در سلامت روانی او تاثیر دارد. 3- سن بازی: ابتکار در برابر احساس گناه؛ چهار تا شش سالگی.

عدم اجازه والدین برای بروز ابتکار کودکان منجر به احساس گناه، کم‌ارزشی و گوشه‌گیری می‌شود. 4- سن مدرسه: پیشرفت در مقابل حقارت؛ 6 تا 11 سالگی. کودک دست به مقایسه با همسالان خود می‌زند و ممکن است نسبت به آن‌ها احساس برتری و یا حقارت داشته باشد. 5- نوجوانی: هویت خود در مقابل بی‌هویتی؛ 12 تا 20 سالگی. این دوران نوجوان یا از به هویت خود مطلع است و یا در اجتماع دچار سردرگمی و بحران هویت شود. 6- مرحله‌ی جوانی: نزدیکی در مقابل انزوا از بیست سالگی تا 24 سالگی. فرد در ارتباط با دیگران یا محدودیتی ندارد و یا دچار بحران انزوا است. 7- میانه سالی: مولد بودن در برابر بی‌حاصلی. محدوده‌ی آن از 25 تا 65 سالگی است. مولد بودن هم به معنای فرزندآوری و هم به طور کلی اهمیت دادن به سرنوشت انسان‌ها است. بحران این دوران اهمیت دادن به خواسته و رفاه فردی است. 8- پختگی: عروج خود در مقابل ناامیدی. در این مرحله فرد ممکن است از گذشته اش رضایت خاطر داشته باشد و یا با بحران حسرت زندگی بهتر در گذشته را تجربه نماید. " (اچ. میلر، 1393: 184-190)

"به نظر اریکسون در مرحله‌ی پنجم یعنی نوجوانی اولین وظیفه‌ی نوجوان این است که بداند انسان چیست؟ و جایگاه او در نظام گسترده اجتماعی که جاست؟ بحران این دوران هویت در برابر سرگردانی از حیث نقش اجتماعی است. با سرعت گرفتن رشد جسمی در دوران نوجوانی نوعی حس سرگردانی در هویت فرد ایجاد می‌شود. البته رشد جسمی و یا تکانه‌های جنسی به تنهایی نوجوان را دچار مشکل نمی‌کند بلکه‌ی مسئله‌ی حائز اهمیت این تفکر در وی است که ممکن است در نظر دیگران خوب نباشد و یا طبق انتظارات آنان عمل نکند و یا حتی فراتر رود و نگران جایگاه اجتماعی خویش در آینده باشد.

نوجوان به علت نداشتن اعتماد به اینکه چه کسی است ممکن است با اضطراب تمایل پیدا کند تا با افراد گروه‌ها همانندسازی کند. افراد تا حدودی از این روش هویت خود را شکل می‌دهند. ما به افرادی که برایمان جاذبه دارند نزدیک می‌شویم و فرایند همانندسازی به صورت خودآگاه و گاهی ناخودآگاه شکل می‌گیرد. از این روی هویت هر فرد ترکیبی از همانندسازی‌های نسبی و مختلف است. یکی دیگر از روش‌های دست‌یابی به هویت در این دوران دستیابی به دستاوردها و فضیلت‌های فردی است. به عنوان مثال توانایی بازی در تیم ورزشی، نوشتن مطالب، برنده شدن در مسابقات در ایجاد حس هویت مثبت سهم دارند. فرایند تشکیل هویت دامنه‌ای دارد به اندازه‌ی طول عمر فرد اما بحران هویت چالش اصلی دوران نوجوانی است هر چند در دوران‌های دیگر نیز ممکن است ظاهر شود اما بحران اصلی محسوب نمی‌شود. با مطرح شدن مواردی به عنوان الزامات آینده و تغییرات درونی، هویت اولیه فرد برای تصمیم‌گیری و انتخاب از میان مجموعه‌ای از گزینه‌ها کفایت نمی‌کند. اریکسون این مطلب را با این مثال توضیح می‌دهد: دختری با زمینه خانوادگی سنتی و محافظه‌کار وارد دانشگاه می‌شود. او در جمع افرادی متفاوت از خود قرار می‌گیرد و دوستانش از بین آن‌ها انتخاب می‌کند. در این مسیر باید بداند برای چه هدف‌های شغلی حاضر به رقابت است. با اتخاذ تصمیم‌ها و پذیرفتن تعهدات وی همانندسازی‌های قبلی را بازسازی کرده و هویت جدیدی در او شکل می‌گیرد. به طور کلی تشکیل هویت فرایندی ناخودآگاه است. نوجوان باید در مدت کوتاهی تصمیمات متعدد بگیرد و هر تصمیم الزامی را برای او به وجود می‌آورد. گاهی پذیرش الزامات برای وی قابل قبول نیست و او را وارد دوره‌ی تعویق روانی-اجتماعی می‌کند. در این دوران فرد خود را می‌یابد. مانند زمانی که فرد تحصیل در دانشگاه را رها می‌کند تا سفر و یا حرفه‌های مختلف را تجربه کند و بعد از آن تصمیم نهایی را بگیرد. دستیابی به وضعیت آزادانه‌ی تعویق برای همه محقق نمی‌شود و ممکن است به علت نداشتن پاسخ برای اینکه چی کسی هست و در زندگی چه خواهد کرد، فرد را وارد مرحله‌ی انزوا نماید و زندگی را رویدادی تحمیل شده قلمداد کند. به تعویق انداختن تعهدات و الزامات باعث می‌شود از تثبیت هویت زودرس جلوگیری شود و نقش‌های متحجر جامعه را نپذیرد. هرچند جستجوی طولانی مدت برای رسیدن به هویت، رنج آور است، اما فرد به تعالی در انسجام فردی و نوآوری‌های اساسی اجتماعی می‌رسد. " (کرین، 1383: 171-174)

3.رمان و هویت

"در روایت‌ها ساختار اولیه‌ی یک هویت در طول زمان شکل می‌گیرد. از این روی هویت به شدت اجتماعی است و مدام تفسیر و باز تفسیر می‌شود و کمک می‌کند تا به شناختی از

خویشتن و دیگران برسیم. ریکور (1991) بر این عقیده است که خود به طور مستقیم قابل شناسایی نیست بلکه به واسطه‌ی نمادهای فرهنگی متفاوت که منشا روایت زندگی روزمره هستند قابل فهم و دستیابی است. وی روایت را منبعی برای تفسیر و شناخت فرد از خود می‌داند. " (لالر، 1394: 35-36) از این روی فرهنگ کتابخوانی از کودکی می‌تواند افراد را با خودشان آشنا سازد. این فرهنگ ممکن است آن جنبه‌هایی که باید اصلاح شود را یادآوری کند و یا اخلاق و معرفتی جدید به وی آموزش دهد تا با به کارگیری آن‌ها در زندگی معمول و یا بزنگاه‌های پرتردید، بهترین انتخاب را داشته باشد. نویسندگان بسیاری در تمام دنیا برای کودکان و نوجوانان کتاب‌های متعددی در ژانرهای مختلف نگاشته‌اند تا فقط با مطالعه و بدون تجربه، برای داشتن زندگی ای بهتر، آگاهی یابند. یکی از شاخه‌های ادبیات کودکان و نوجوان، رمان نوجوان است. "ظهور رمان نوجوان در جهان پدیده ای جدید است و قدمت آن به دهه 1960 باز می‌گردد و به علت اینکه مفهوم نوجوانی در کشورهای جهان سوم، مفهومی جدید است سابقه‌ی چندانی در آن‌ها ندارد." (خواجه پور، 1399: 3)

1.3. رمان فاتن

در کشور لبنان خانم فاطمه شرف الدین کتاب‌های کودک بسیاری نگاشته و بیش از یک دهه است که دغدغه‌های نوجوانان، موقعیت‌های مختلف زندگی و نقدهای اجتماعی اش را در قالب چندین جلد رمان نوجوان، روانه بازار نشر نموده است. در این جستار به بررسی هویت در شخصیت‌های نوجوان از نگاه اریکسون در یکی از رمان‌هایش به نام **فاتن** می‌پردازیم. روایت فاتن نخستین بار در سال 2010 منتشر شد و در جستار حاضر از چاپ دوم آن در سال 2017 میلادی، استفاده شده است.

وقایع رمان در سال 1985 میلادی در بحبوحه‌ی جنگ‌های داخلی در آن، اتفاق می‌افتد. فاتن دختری پانزده ساله و در روستایی در نزدیکی لبنان زندگی می‌کند. سه برادر و یک خواهر دارد، اوضاع درسی اش خوب است و برای آینده خودش را آماده می‌کند. ناگهان روزی پدر او را مجبور می‌کند تا درس را رها کرده و به عنوان خدمتکار در خانه‌ی فردی متمول در بیروت کار کند. با بی میلی تمام با پدر و مادرش راهی شهری می‌شوند که درگیر جنگ است و هر از گاهی صدای انفجار خانه‌ها را می‌لرزاند. صاحب خانه آقای عاصم است یک دختر هم سن فاتن دارد به نام دالیا که مدام با خوانواده اش درگیر است و یک دختر کوچکتر به نام سحر و همسرش خانم سوسن. با ترس و تردید و خشم از پدرش به علت اجبار به ترک تحصیل روزها را سپری می‌نماید. در ابتدا امر و نهی‌های بسیار او را کلافه می‌کند. او این روزها را برای خودش نمی‌خواهد بالاخره بعد از مدتی فاتن تصمیم به ادامه

تحصیل به صورت مخفیانه می‌گیرد. می‌خواهد پرستار شود و شرایط را تغییر دهد. با مشورت گرفتن‌های پنهانی از همکلاسی اش دلال و پسر همسایه مروان که رابطه عاطفی نیز میان آن‌ها رخ می‌دهد، تصمیمش را عملی می‌کند. دوستش کتاب‌ها را برای او می‌آورد و او در اوقات بیکاری، مخفیانه در اتاق محقرش به مطالعه می‌پردازد تا فقط در امتحانات پایان سال شرکت کند. در زمان امتحانات به بهانه رفتن به روستا نزد خانواده اش، به خانه ی آشنایی می‌رود اما آقای عاصم متوجه می‌شود که به روستا نرفته و دیگر اجازه ی کار در منزلش را به او نمی‌دهد. فاتن با پریشانی به روستا باز می‌گردد و با وساطت پدر دلال به خانه می‌رود. بعد از مدتی در بیمارستانی کار پیدا می‌کند و همزمان با کار کردن، ادامه تحصیل می‌دهد.

4. پردازش تحلیلی موضوع

"خصوصیت‌های بارز این دوران از نگاه اریکسون عبارتند از: هویت‌طلبی، همانندسازی، و بحران هویت اند." (شاملو، 1372: 66-67) در رمان فاتن با شخصیت‌هایی مواجه هستیم که با دوره ی پنجم تقسیم بندی اریکسون (مرحله نوجوانی) و ویژگی‌هایش همخوانی دارند و در ذیل نمونه‌های منطبق با این چهارچوب به تفصیل آمده است.

1.4. هویت طلبی

اریکسون مضمون اصلی زندگی و مشخصه ی مهم دوران نوجوانی را جستجوی هویت و رسیدن به هویتی منسجم می‌داند. در طول زندگی بارها می‌پرسیم که ما کیستیم؟ و در هر مرحله از زندگی با پاسخی متفاوت روبرو می‌شویم. (اچ. میلر، 1393: 182) وی بر این باور بود که هویت، مسئله اصلی جوامع کنونی است و ظهور هیتلر را عاملی برای نیاز ویژه فرد و ملت به هویت می‌دانست. (همان: 183) "فرد در برابر تجربیات متناقض روزمره و گرایش‌های متعدد در جامعه بار سنگینی را تحمل می‌کند و در این میانه ی باید به ساختن و پرداختن هویت بپردازد تا از خویشتن حراست کرده و تصمیمی برای ادامه مسیر داشته باشد." (گیدنز، 1378: 261) مظاهر هویت طلبی بسیار است و در هر نوجوان به فراخور شرایط خانوادگی و اجتماعی به گونه ای نمود پیدا می‌نماید.

1- گاهی هویت طلبی در قالب تلاش برای رسیدن به خواسته، هدف و علاقه دیده می‌شود. بعد از دو سال که از کار کردن فاتن در خانه آقای عاصم می‌گذرد سرانجام در اعتراض به موقعیتش به عنوان یک خدمتکار تصمیم می‌گیرد تا با ادامه ی تحصیل، خود را از این شرایط نجات دهد. شوق تحصیل و میل به تغییر در او اراده ای پولادین ایجاد می‌کند تا بر جایگاه اجتماعی پر از حقارت خویش غلبه نماید. او شرایطش را به عنوان مقطعی موقت و نه همیشگی می‌داند و هیچ گاه در برابر خواسته ی پدرش تسلیم نمی‌شود؛ خواسته ای که

فاتن کار کند و او هر ماه بیاید و دست رنجش را در عوض راحت طلبی خویش تصاحب کند. پدری که هیچ تعهدی به خوانواده اش ندارد. تا ظهر سبزی می‌فروشد، بعدازظهر به قهوه خانه می‌رود و شب‌ها با دوستانش نرد بازی می‌کند. هرچند بیروت جنگ زده، کودکی فاتن را گرفت اما جایی شد که فاتن در آنجا عشق و دوستی را آموخت و مسیر جدیدی را در زندگی به روی خویش گشود:

تستلقي فاتن على سريها فيصدر صوت صرير خفيف. تأخذ الكتاب الوحيد الذي تمتلكه، كتاب القراءة المدرسي الذي أحضرته معها سرا يوم أجبروها على الهجاء إلى بيروت. تفتحه على صفحاتها المفضلة. نصّ عن مهنة التمريض. لا شيء مميّزًا في هذا النص، ولكن ما يشدّها إلى هذه الصفحة هي الصورة المرافقة للنص. في الصورة، المريض ينظر إلى الممرضة نظرة فيها حبّ وامتنان وسلام. أحاسيس تفتقدها فاتن في حياتها السخيفة هنا نادرًا ما تسمع كلمة شكرًا أو من فضلك أو أحسنت. معظم الحديث الموجه إليها يأتي بشكل الأوامر. الشخص الوحيد الذي يُعاملها دائمًا بلطف ويظهر لها الامتنان هو سحر، البنيت ذات التسع سنوات في العائلة. لكثرة ما تمعنّت في هذه الصورة في السنتين الماضيتين، وصلت فاتن إلى قرار مصيري في حياتها. قرّرت أنّها تريد أن تصبح ممرضة في يوم ما. (شرف الدين، 2017: 7)

فاتن روی تختش دراز کشید، صدای جیر جیر خفیفی به گوش می‌رسد. تنها کتابی را که دارد برمی دارد. روزی که مجبورش کردند به بیروت بیاید، کتاب روخوانی مدرسه را مخفیانه با خود آورده بود. صفحه مورد علاقه اش را باز می‌کند. ممتنی در مورد حرفه ی پرستاری است. چیز خاصی در این متن نیست، اما چیزی که او را به این صفحه می‌کشاند، تصویر همراه متن است. در تصویر، بیمار با نگاهی از عشق، سپاسگزاری و آرامش به پرستار نگاه می‌کند. احساساتی که فاتن در زندگی مضحکش در اینجا از دست داده است. او به ندرت کلمه متشکر، لطفاً یا آفرین می‌شنود. بیشتر صحبت‌ها با او به صورت دستوری است. تنها کسی که همیشه با او مهربانانه رفتار می‌کند و از او سپاسگزاری می‌کند، سحر دختر نه ساله خوانواده است. به خاطر نگاه کردن زیاد فاتن در دو سال گذشته به این تصویر او به یک تصمیم سرنوشت ساز در زندگی خود رسید. او تصمیم گرفت روزی پرستار شود.

اریکسون معتقد است گاهی نوجوان دچار تعارض میان هویت و سرگشتگی در نقش‌های اجتماعی می‌شود که اگر این تعارض به درستی حل شود او به مرحله ی تعهد می‌رسد. (شاملو، 1372: 67) فاتن نیز طی دو سال با سرگشتگی هویتی دست و پنجه نرم می‌کند. سرانجام کتابی که همراهش است ناجی او شده و او متعهد می‌شود تا این شرایط را به بهترین شکل تغییر دهد، هرچند می‌داند که راهی پر پیچ و خم در پیش دارد.

2- در برخی مواقع نوجوان هویت مطلوب خویش را با رویاهایی که برای دیگران دارد به صورت غیر مستقیم بازگو می‌نماید. فاتن علی‌رغم اینکه خدمتکاری بیش نیست اما که

در موقعیت‌های مختلف مدام به دالیا و مروان -که در خانواده‌هایی غنی و سرشناس زندگی می‌کنند- می‌گوید آزاد و مستقل باشند و برای رسیدن به علایق و هدف‌هایشان مصمم گام بردارند و تسلیم تصمیمات خانواده‌هایشان نشود. او این‌ها را می‌گوید چون خودش به این نتیجه رسیده است که تسلیم شدن برابر است با از دست دادن آنچه برایش آرامش و لذت به همراه دارد.

3- در مواقعی هویت طلبی با اعتراض به نداشتن حقوق برابر با بزرگسالان و یا درخواست داشتن حقوق برابر با بزرگسال تجلی می‌یابد. پدر فتن هر ماه از روستا به شهر می‌آید تا حقوق او را بگیرد بدون آنکه یک ریالی را به او بدهد. در نگاه پدرش همینکه او در بیروت در خانه ی فردی متمول خدمتکار است و جایی برای خواب و غذایی برای خوردن دارد، برای او کافی است.

اليوم، الأحد ١ شباط ١٩٨٧، هو يوم عيد ميلاد فتن. إنها وحدها في الشقة، تتهياً لزيارة روزن. لكنها هذا الصباح تشعر بفرغ وكأن لا معنى لوجودها ولحياتها. لا معنى لمشاعرها وأحلامها. فالبارحة أتى أبوها ليأخذ أجزها الشهري كالعادة؛ وهي بعد كل زيارة له تشعر وكأنها هُزمت مرة أخرى. سُلِبَتْ حقها، سُلِبَتْ شهراً آخر من حياتها حتى إنه في تلك الزيارة الأخيرة، لم يتذكر أنّ اليوم الآتي هو يوم عيد ميلادها السابع عشر. (همان: 18)

امروز یکشنبه 10 بهمن 1366 روز تولد فتن است. او در آپارتمان تنهاست و برای دیدار روزالین -خدمتکار همسایه- آماده می‌شود. اما امروز صبح احساس پوچی می‌کند، انگار وجودش و زندگی اش معنایی ندارد. احساسات و رویاهای او بی معنی است. دیروز پدرش طبق معمول برای گرفتن حقوق ماهیانه اش آمده بود. فتن بعد از هر ملاقات با او احساس می‌کند دوباره شکست خورده است. حقیقت گرفته شده است، یک ماه دیگر از عمرش گرفته شده است. حتی در دیدار اخیر، یادش نبود که فردای آن روز تولد هفده سالگی فتن است.

4- گاهی نوجوان به خطاء و یا به درستی متهم به جرمی می‌شود و او در صدد رفع این جرم بر می‌آید. آنگاه که فتن برای امتحانات پایان سال به خانه دوست روزالین - خدمتکار همسایه- می‌رود، مجبور می‌شود که به دروغ به خانم سوسن بگوید به روستا برای دیدار خانواده اش می‌رود. بعد از رفتن فتن با خانواده اش تماس می‌گیرند و متوجه می‌شوند که در آنجا نیست. بعد از اتمام امتحانات هنگامی که به خانه آقای عاصم -همسر خانم سوسن- می‌رود در را برایش باز نمی‌کنند و گمان می‌برند که او جرمی انجام داده است. فتن مجبور می‌شود به روستا بازگردد. پدرش به شدت از دست او عصبانی است و او به خانه دوستش دلال می‌رود و ماجرای امتحانات پایان سال را برای خانواده ی دلال

شرح می‌دهد. پدر دلالت با وساطت پدر فتن را آگاه می‌کند که دخترش به خاطر شرکت در امتحانات مجبور شده است دروغ بگوید. پدر فتن که حالا دیگر حقوق ماهیانه ای در کار نیست خشمگین است اما چاره ای جز پذیرش اوضاع ندارد. به علت اینکه این جریان در صفحات متعددی از رمان اتفاق افتاده است و از اطاله کلام جلوگیری شود، متن عربی ذکر نمی‌شود.

2.4. همانندسازی

در همانند سازی نوجوان سعی دارد تا مانند شخصیت مطلوبش، لباس بپوشد و یا رفتار و اخلاق او را پیشه خود می‌سازد و یا آرایش صورتش و یا ظاهرش را شبیه او می‌کند. نمونه ای از همانندسازی رفتاری در رمان در این جاست که دالیا و دوستانش که تمایلی به درس خواندن ندارند. چندین بار با تقلب، امتحان داده اند و این جریان به گوش مدیر مدرسه رسیده است. این مشارکت چندین باره یعنی آنها با استفاده ی ناخودآگاه از اصل همانندسازی همه با هم یکی شده اند و عملی را انجام داده اند و حتی کار به جایی رسیده است که سوالات امتحان ریاضی را هم سرقت کرده اند. مادر دالیا در گفتگو با پدرش چنین می‌گوید:

ما حصل هو أن الإدارة اتصلت بي لأمر عاجل بخصوص داليا. فأسرعتُ للقاء المدير. وحدث في مكتبة داليا وماجدة وطالبين آخرين سألته عن الموضوع وأنا أرتجف. كنت غاضبة من داليا التي تضعني في مواقف حرجة كهذه... حاضر حاضر. سأختصر قال المدير إنها ليست المرة الأولى التي تُكشَف فيها داليا تغش في امتحان. قال إنها فتاة ذكيّة جدًّا، لكن الظاهر أنّها أفنعت نفسها بأنّها لن تنجح بالمواد العلميّة. فَميوها الفنيّة قويّة... نعم يا عاصم نعرف ذلك ولكن هذه المرة الأمر جدّي. لقد سُرقت امتحانات الرياضيات من الأستاذ، ووُزعت على بعض الطلبة. داليا مشاركة في هذا الشغب. لقد كشف الأستاذ ذلك خلال الامتحان صباح اليوم. وجد مع داليا ورقة عليها حلول مسائل الإمتحان عند ابتداء الحصّة، فطردها من الصف. وبعد استجواب مدير المدرسة لها، اعترفت أنّها ليست الوحيدة، وأنّ ثلاثة طلاب آخرين شاركوها في الغش... هذه الفتاة ستُفقدني عقلي يا عاصم. (فاتن، 27-28)

اتفاقی که افتاد این بود که مدیر مدرسه برای یک موضوع فوری در مورد دالیا با من تماس گرفت. به سرعت نزد مدیر رفتم. در دفتر او دالیا، ماجده و دو دانش آموز دیگر را دیدم. در حالی که می‌لرزیدم از مدیر جریان را پرسیدم. از دست دالیا عصبانی بودم که من را در چنین شرایط بحرانی قرار می‌دهد... چشم، چشم خلاصه می‌کنم. مدیر مدرسه گفت این اولین بار نیست که دالیا تقلب می‌کند. گفت که او دختر بسیار باهوشی است، اما به نظر می‌رسد که خودش را متقاعد کرده است که در دروس علمی موفق نخواهد شد. تمایلات هنری او بسیار است... بله، عاصم، این را می‌دانیم، اما این بار جدی است. برگه ی امتحانات

ریاضی از استاد دزدیده شده و بین برخی دانش آموزان توزیع شده است. دالیا در این جریان دست داشته است. معلم این موضوع را صبح امروز در جلسه امتحان گفته است. او در ابتدای کلاس یک تکه کاغذ با راه حل‌های سوالات امتحان در دست دالیا دیده و او را از کلاس بیرون کرده است. و بعد مدیر مدرسه او را بازجویی کرده است، اعتراف کرده که او تنها نیست و سه دانش آموز دیگر نیز در این تقلب با او مشارکت داشته اند.

3.4. بحران هویت

"ممکن است فرد دارای هویت‌های متعدد باشد و این امر او را سرگردان کند. پژوهشگران بر این عقیده اند که فرد بعد از دریافت اطلاعات از جامعه، پیوندی میان هویت و عقل برقرار نمایند تا به انسجام و قراری درونی دست یابد و بر اساس آن چهارچوب وارد تعامل با دیگران شود." (توفیق، 2107: 5) واریکسون اصطلاح بحران هویت را زمانی مطرح نمود که فقدان هویت را در سربازهای جنگ جهانی دوم مشاهده نمود. همچنین وی در میان نوجوانان آشفته، مشکلی مشابه دید و سرانجام تشخیص داد که مشکل هویت معمولا در مقایسه کوچکتر در همه زندگی‌ها به وجود می‌آید. (اچ. میلر، 1393: 182) لئونارد بایندر رشد و توسعه کشورها را درگرو عبور از پنج بحران می‌داند که یکی از آنها بحران هویت است و معتقد است علت رشد کشورهای صنعتی، عبور از بحران‌ها به خصوص بحران هویت است. (علیخانی، 1386: 20)

در طول دوران نوجوانی، رشد هویت به یک بحران تبدیل می‌شود. اریکسون معتقد است که بحران وقتی شروع می‌شود که مادر نوزاد خویش را به اسم صدا می‌کند و به می‌گوید که حالش خوب است و برای اولین بار مادر را تشخیص می‌دهد و احساس می‌کند که توسط او شناخته شده است. (اوانزا، 1967: 35) با این همه اریکسون بحران هویت را مهمترین چالش دوران نوجوانی می‌داند. البته چالش به معنای منفی آن نمی‌باشد بلکه مقصود موانعی است که در مسیر شکل‌گیری هویت، نوجوان با آن‌ها روبرو می‌شود و گذر از آن‌ها نیازمند تجربیات جدید و آگاهی است. "هویت با مولفه‌های بسیاری همچون ملیت، زبان، نژاد، در اقلیت و اکثریت بودن، دین، مذهب و... که تقریبا تمام آن‌ها بر فرد تحمیل می‌شود و اختیاری در انتخاب آن ندارد در فرد شکل می‌گیرد. او مجبور است تا آخر عمر و یا تا زمان رسیدن به بلوغ فکری تبعات آن را تحمل کند که نتایج مثبت و منفی بسیاری را برای فرد به همراه دارد." (معلوف، 1389: 7)

در رمان فتن، فتن دانش آموزی پرتلاش و درسخوان است که ناگهان از میانه تحصیل به جبر پدر به دنیای خدمتکاری هل داده می‌شود و باید تسلیم تمام فرمایش‌های خرد و درشت یک خانواده چهار نفره باشد. در این زمان است که او دچار بحران هویت می‌شود

چرا که دو هویت دانش آموز درس خوان و خدمتکار، زندگی با خانواده و زندگی در خانواده ای غریبه، در تنش و تقابل هستند.

كفي عن البكاء يا فاتن تبكين وكأنك طفلة، قال أبوها ذلك اليوم، كاسراً جليد الصمت في السيارة، حين التفت من مقعده الأمامي ورأى وجهها مبلاا وخصلات شعرها الأسود الطويل تلتصق بخديها بشكل عشوائي. نعم أنا طفلة. كانت تريد أن تصرخ. عمري خمس عشرة سنة. هل نسيت؟ أريد أن أعود إلى البيت. أريد أن أكون معكم في البيت؛ أن أندس قرب أمتي في فراشها حين أشعر بالمرض. أريدها أن تضمني بين ذراعيها حين ترائي حزينة. أن تسرح شعري وتخيظ لي الفساتين. أريد أن ألتقي بنبات الجيران في الحارة نتمشى، نُدزّش، نضحك بسبب أو بدونه. أريد أن أطف الجوز الأخضر وأحمر شفتي بقشرته، وأن أذهب إلى العين لأملاً الأوعية بمياه للشرب. أنا طفلة. نعم. لكن فاتن لم تجب أبها ذلك اليوم، ولا حتى بالنظر إليه نظرة عتاب. بقيت صامتة تحدد عبر النافذة والسيارة تسير شمالاً باتجاه بيروت. كانت غارقة في ذكرياتها؛ ذكريات القرية من أيام طفولتها حتى صباح اليوم بالذات. لم تعد ترى غير الفراغ من حولها، بينما بقي ضجيج مشاعرها مدفوناً في أعماقها. (شرف الدين، 2017: 2-3)

پدرش در آن روز برای شکستن یخ سکوت وقتی از صندلی جلویی متوجه صورت خیس و موهای بلند مشکی اش شد که به طور پراکنده به گونه‌هایش چسبیده بود گفت: گریه نکن فاتن، انگار بچه هستی که گریه می‌کنی. بله من بچه ای هستم که می‌خواست فریاد بزند. پانزده سالم است. فراموش کردی؟ من می‌خواهم به خانه برگردم، می‌خواهم در خانه با شما باشم. وقتی احساس بیماری می‌کنم کنار مادرم خودم را جای دهم. می‌خواهم وقتی مرا غمگین می‌بیند در آغوشش بگیرد. موهایم را شانه کند و برایم لباس بدوزد. می‌خواهم با دختران همسایه ملاقات کنم، قدم بزینم، حرف بزینم و با دلیل یا بی دلیل بخندیم. می‌خواهم گردوی سبز بچینم و با پوستش لب‌هایم را سرخ کنم و به چشمه بروم و ظرف‌ها را از آب آشامیدنی پر کنم. من بچه ام بله. اما فاتن آن روز جوابی به پدرش نداد و حتی با نگاهی سرزنش آمیز به او نگاه نکرد و در حالی که ماشین به سمت شمال به سمت بیروت حرکت می‌کرد، سکوت کرد و از پنجره به بیرون خیره شد. غرق در خاطراتش بود. خاطرات روستا از دوران کودکی تا امروز صبح. در حالی که سر و صدای احساساتش در اعماق وجودش مدفون بود او دیگر چیزی جز دوری در اطرافش نمی‌دید.

حال به همه ی این‌ها باید قرار گرفتن فاتن در شهری را افزود که جنگ داخلی در آن آشیانه کرده است. چطور پدری بی رحمانه می‌تواند در این شرایط دخترش را تنها بگذارد و تنها دریافت پول در برابر کار و رنج فاتن برایش مهم باشد؟ او در خانه ای شروع به کار می‌کند که دختری هم سن و سال او با رفاه کامل زندگی می‌کند اما قدر موقعیتش را نمی‌داند. با این همه فاتن بعد از دو سال می‌تواند بر شرایط جدید غلبه می‌کند و با کمک خودش و دوستانش به درستی از بحران هویت و شرایط نامطلوبش رهایی یابد.

وصلوا إلى المدينة بيروت. مبانٍ عالية، الكثير منها مدرّوز بثقوب من كل الأحجام. انظروا ماذا تفعل الحرب بيروت ومبانيها. أتى صوت السائق يقطع السكون. الأحزاب المتحاربة لا تترك منطقة في بيروت تسلّم من شرّ القصف والقنص. الله يساعد أهل هذه المدينة. الله هو الحافظ، قالت أم فاتن وهي تمسّد شعرها، كأنّها تمنّى ألا يمسه شرّ الحرب هنا. (شرف الدين، 2017: 3)

به شهر بیروت رسیدند. ساختمان‌های بلند که بسیاری از آنها گویی با سوراخ‌هایی در اندازه‌های مختلف بخیه زده شده اند. صدای راننده سکوت را قطع کرد. ببینید جنگ با بیروت و ساختمان‌هایش چه می‌کند. طرفین درگیر، منطقه‌ای در بیروت را از شر بمباران و تیراندازی در امان نمی‌گذارند. خداوند به مردم این شهر کمک کند. مادر فاتن در حالی که موهایش را نوازش می‌کرد، گفت: خدا حافظ است، گویی آرزو می‌کند که دخترش در اینجا آسیبی از جنگ نبیند.

بحران هویت در مروان - پسر همسایه - نیز مشهود است. که بدون اجازه پدر و مادرش نمی‌توانست کاری انجام دهد و حتی انگیزه و تلاشی هم برای استقلال ندارد. او مطیع تصمیمات دیگران است. علی رغم میلی که به موسیقی داشت، پدرش به جای او تصمیم گرفت که در دانشگاه مهندسی بخواند. مادرش به جای او برای ازدواج، دختر دوستش را انتخاب کرد و منجر به جدایی شد. او در گفتگویی به فاتن می‌گوید:

لديك الجرأة لتحدي وضعك. أما أنا فأشعر بالغباء. أشعر أنّي في مصيدة يصعب علي الخروج منها. (همان: 89)

تو این جسارت را داری که موقعیت خودت را به چالش بکشی. اما من احساس حماقت می‌کنم. احساس می‌کنم در دامی افتاده‌ام که نمی‌توانم از آن خارج شوم.

نتیجه‌گیری

نظریه‌ی رشد شخصیت اریک اریکسون، مراحل رشد انسان از تولد تا مرگ را به هشت مرحله تقسیم می‌نماید. مرحله‌ی پنجم آن دوره‌ی نوجوانی از 12 تا 20 سالگی است و مهمترین چالش این دوران را بروز بحران هویت می‌داند. فاطمه شرف الدین در آثارش با شناختی دقیق از نوجوانان ارتباطی قوی با آنها برقرار می‌کند و با به تصویر کشیدن صحنه‌هایی واقعی از زندگی، آن‌ها برای ورود به جامعه و مواجهه با مسائل تازه آماده می‌نماید. با مطالعه‌ی رمان فاتن با چهار شخصیت نوجوان با نام‌های فاتن - دختری پانزده ساله و روستایی که به عنوان خدمتکار در بیروت کار می‌کند و قهرمان داستان است - دلال - همکلاسی فاتن در روستا - دالیا - دختر خانواده‌ای که فاتن برای آن‌ها کار می‌کند و هم سن اوست - مروان - پسر همسایه که دانشجویست و در اواخر دوران نوجوانی است - مواجهه می‌شویم. بررسی‌های صورت گرفته در این شخصیت‌ها نشان می‌دهد که فقر و ثروت و زندگی در شهر و یا روستا

عامل اصلی برای رشد هویت و مواجهه با چالش‌های هویتی نمی باشد و چه بسا که امکانات رفاهی فرد را بدون هیچ تفکر و تلاشی مجبور به اطاعت در برابر درخواست‌های خانواده نماید. در نهایت در بازتاب هویتی این چهار شخصیت به سه مولفه اصلی هویت طلبی، همانندسازی و بحران هویت براساس نظر اریکسون دست یافتیم. روایت با بحران هویتی فاتن شروع می‌شود. او از مدرسه به جبر پدر به خانه ای در بیروت منتقل می‌شود تا به عنوان خدمتکار کمک خرج خانواده باشد. او به مرور شرایطی که منجر به بحران هویتی اش شده است را به عنوان فرصتی برای ادامه تحصیل مخفیانه در ساعات‌های محدود تبدیل می‌کند و سودای پرستاری دارد. پس از تلاش‌های بسیار در حین ادامه تحصیل به عنوان نیروی معمولی در بیمارستان استخدام می‌شود. دلالت در روستا در کنار خانواده اش زندگی معمولی دارد و تکیه گاه امنی برای فاتن است. دالیا دختری ناز پروده که با چالش‌های هویتی در خانه و مدرسه دست و پنجه نرم می‌کند. او درس خواندن را به هیچ وجه دوست ندارد. در امتحانات با دوستانش تقلب می‌کند و این موضوع باعث می‌شود تا مدیر مدرسه مادرش را احضار کند. او نقاش خوبی است و می‌خواهد نقاشی را ادامه دهد تا اینکه درس بخواند. در حین تحصیل در دبیرستان برای رهایی از امر و نهی‌های خانواده و مدرسه به یک ازدواج سنتی تن می‌دهد و به آمریکا مهاجرت می‌کند. مروان پسر همسایه که او نیز در خانواده ای متمول زندگی می‌کند علی رغم خواسته خودش برای تحصیل در رشته ی موسیقی مجبور می‌شود در رشته مهندسی ادامه تحصیل دهد چون پدرش معتقد است هنرمند زندگی فقیرانه دارد و مادرش علی رغم میل مروان او را مجبور می‌کند تا با دختر دوستش که خانواده ای ثروتمند هستند ازدواج کند، هرچند این ازدواج منجر به جدایی می‌شود. شرف الدین به نوجوانان می‌آموزد که انتخاب مسیر مورد علاقه احتیاج به عزمی راسخ و متقاعد کردن خانواده دارد نه اینکه سرخم کند و به هر آنچه بر آینده ی او تحمیل می‌شود و بر خلاف میل اوست تن در دهد.

منابع و مأخذ

- اچ. میلر، پارتیشیا. نظریه‌های روانشناسی رشد از کودکی تا بزرگسالی. مترجم: شریفی درآدی، پرویز، شاهی، محمدرضا، تهران، نشر ویرایش. (1393 چاپ دوم).
- حاجیانی، ابراهیم. جامعه‌شناسی هویت ایرانی. تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام تحقیقات استراتژیک، تهران، (1388).
- حسنی، وجیهه. «واکاوای انواع هویت در داستان‌های نوجوان بر اساس نظریه روانی - اجتماعی اریکسون». مجله تحقیقات کتابداری و اطلاع رسانی دانشگاهی. دوره 5 شماره 2 صص 23-13. (1398).

- خواجه پور، سارا. مؤلفه‌های رمان نوجوان فارسی از دید نویسندگان، ناشران و منتقدان ایرانی رمان نوجوان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه فردوسی مشهد. (1399)
- شاملو، سعید. مکتب‌ها و نظریه‌ها در روانشناسی شخصیت. تهران: نشر فجر. (1372 چاپ چهارم).
- شرف‌الدین، فاطمه. فتن. شارقة: روایات. (2017 الطبعة الثانية).
- شعاری نژاد، علی اکبر. روان شناسی رشد. تهران: اطلاعات. (1373 چاپ یازدهم).
- علیخانی، علی اکبر. هویت و بحران هویت. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی، فرهنگ و مطالعات اجتماعی. (1386 چاپ دوم).
- قحام، توفیق. أزمة الهوية في الرواية الجزائرية المعاصرة، اطروحة دكتوراه. جامعة محمد لمين دباغين - سطيف 2 الجمهورية الجزائرية الديمقراطية الشعبية. (2017).
- قنبری، علی. مؤلفه‌های هویت ایرانی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی، فرهنگ و مطالعات اجتماعی. (1393).
- کرین، ویلیام کریستوفر. پیشگامان روان شناسی رشد، مترجم، فدایی، فرید، تهران: موسسه اطلاعات. (1383 چاپ نهم).
- گیدنز، آنتونی. تجدد و تشخیص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید، مترجم: موفقیان، ناصر، تهران: نشر نی. (1378).
- لالر، استف. هویت دیدگاه‌های جامعه شناختی، مترجم: فرهمند، مهناز. تهران: جامعه شناسان. (1394).
- معلوف، امین. هویت‌های مرگبار. مترجم: نیک گهر، عبدالحسین، تهران: نشر نی. (1389)
- ERIKSON، ERIK H. "Childhood and Society". London: Paladin Books. (1977).